

اهل بیت علیهم السلام در آینه ابن تیمیه رحمته الله

گردآورنده:

ابوخلیفه علی بن محمد قضیبی

۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م

با مقدمه‌ی:

شیخ سلیمان بن صالح خراشی

نویسنده‌ی این کتاب در اصل شیعه بوده
سپس الله متعال او را به سوی حق هدایت نموده‌است.

این کتاب ترجمه کتاب «ثناء ابن تیمیة علی أمير المؤمنین علی بن ابي طالب وأهل البيت» می باشد.

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

از سخنان ابن تیمیه <small>رحمته</small> در مورد حسین <small>رضی الله عنه</small>	۳
مقدمه	۵
شیخ الاسلام ابن تیمیه و نکوهش نواصب	۷
سخنان ابن تیمیه <small>رحمته</small> در باره‌ی فضایل علی <small>رضی الله عنه</small>	۸
گفتار ابن تیمیه <small>رحمته</small> درباره‌ی قاتلین حسین <small>رضی الله عنه</small>	۱۵
جایگاه اهل بیت پیامبر نزد اهل سنت و جماعت.....	۱۷
پایان.....	۲۱

از سخنان ابن تیمیہ رحمۃ اللہ علیہ در مورد حسین رضی اللہ عنہ

«حسین مظلومانه شهید شده و قاتلین او ستمگر و سرکشند.»

قتل حسین و حکم قاتل او، ص ۷۷.

«و اما کسی که حسین را به قتل رسانید یا کمک به کشتن او نمود یا به کشتن وی رضایت داده لعنت خدا و ملائکه و تمام مردمان بر او باد، و خداوند هیچ چیزی را از او نمی پذیرد.»

مجموع الفتاوی: ۴ / ۴۸۷ - ۴۸۸.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ستایش خداوند را سزا است و رحمت و برکت و سلام بر کسی که پس از او پیامبری نیست و بر آل و یارانش باد ...

از کتاب (ثناء ابن تیمیة رحمته علی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب وأهل البیت علیهم السلام) مطلع شدم که برادر گرامی علی بن محمد قضیبی - خداوند ما و او را بر حق ثابت قدم نگه دارد- آنرا تألیف نموده است، دیدم مقصود را به کلی بیان کرده و موضعگیری شیخ الاسلام نسبت به علی و اهل بیت را به وضوح توضیح است که همان موضع دوست داشتن و احترام و دعای خیر و اعتراف به جایگاهی است که خداوند به آنان عطا فرموده است بدون این که جفا و تقصیری بکار برده باشد چنانکه «نواصب» جفا کرده و بدون این که زیاده روی و افراطی کرده باشد همچنانکه شیعه و موافقان آنان از اهل بدعت چنان کرده اند.

و برادرمان علی در نقل کلام شیخ از عقیده‌ی مشهورش (عقیده‌ی واسطیه) بسیار عالی کار کرده است. و همچنین در نقل‌هایی که در کتاب اینجانب وارد شده (شیخ الاسلام لم یکن ناصبیا) که در سال ۱۴۱۹ هـ به چاپ رسیده و غالباً از کتاب (منهاج السنّة) برگرفته شده، جالب و مستدل می‌باشد.

از خداوند مسألت دارم پاداش این کار را برای برادر گرامیم علی به خاطر دفاعی که از یکی از بزرگان مسلمانان کرده است، ثبت نماید و امیدوارم که خداوند به سبب این کتابش جوانان شیعه را یاری فرماید تا مقلد و دنباله‌رو کسانی نباشند که می‌خواهند آنان را از حق دور کنند و از راه راست گمراهشان نمایند. هدایت‌دهنده تنها خدا است.

سلیمان بن صالح خراشی

۱۴۲۴/۷/۵ هـ

ریاض

مقدمه

ستایش مخصوص خداوند است و رحمت و برکت و سلام بر کسی که پیغمبری پس از او نخواهد آمد و بر آل و یارانش باد.

و بعد:

فریادهای ناروا و تبلیغات فریبنده برای ایجاد شک و گمان در حق و اهل حق بلند آواز است و به گوش همه می‌رسد به گمان خود آنان می‌خواهند نور خدا را با گمان‌های باطل و سخنان ناروای دهان خود خاموش گردانند ولی خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خود را به کمال رساند هرچند مشرکان دوست نداشته باشند.

بی‌شک از هر طبقه‌ی گذشته گروه عادل این دین مقدس را حمل کرده و بار مسئولیت آن را تقبل نموده و تحریف اهل غلو و نسبت‌های ناروای اهل باطل را از آن دور کرده‌اند حاملان و مبلغان این دین رحمت پروردگارانند برای مردم و برای آنان روشنگری می‌کنند و ارشادشان می‌نمایند و امر و تعالیم این دین را برای مردم تجدید و نو می‌کنند.

و در رأس آن مصلحان شیخ الاسلام ابن تیمیه قرار دارد که او بی‌گمان امامی کم‌نظیر و بزرگوار و دریایی سرشار از علم بوده که دوست و دشمن و نزدیکان و بیگانگان به علم و آگاهی او اعتراف کرده‌اند و از طریق نوشتن و کتاب‌ها علوم و معارف شیخ الاسلام نقل گردیده و انتشار یافته است، او شخصی معتدل و میانه‌رو بوده و در امور عقیده بر روش سلف صالح حرکت می‌کرد و از آن عقیده به شدت دفاع نموده، و به تبیین انحرافات کسانی که از آن بیرون رفته بودند پرداخته است در همان حال در مقابل شریعت سر تعظیم فرود آورده و اهل سنت و اهل بیت را بزرگ می‌دارد.

گفتارهای ابن تیمیه درباره‌ی خصلت‌های نیکوی اهل بیت و رسیدن آنان به درجه‌ی علم و معرفت بسیارند و مقالات و سخنان متنوعی پیرامون دفاع از اهل بیت و بلندی منزلت و جایگاه ایشان بجا گذاشته است.

اینجانب دوست داشته است از این طریق برخی از سخنان او را در این باره به خوانندگان گرامی تقدیم نمایم، شاید حقیقتی که اهل بدعت و ضلالت تلاش می‌کنند مخفی بماند، نمایان گردد اگر چه این امر نیاز به توضیحات بیشتری دارد برای رد افتراها و اتهامات ولی آنچه در پیش رو دارید تلاش ناچیزی است از سوی کسی که سابقاً شیعه بوده و اکنون از اهل سنت و جماعت می‌باشد و خدا را سپاسگزارم.

من در دوران جاهلیت خود گمان می‌بردم که اهل سنت دشمنی اهل بیت را در درون خویش جای داده‌اند اما برایم روشن شد که اهل سنت از هرکسی بیشتر آنان را بزرگوار می‌شمارند و از آنان بهره‌های فراوان برده‌اند.

از خداوند می‌خواهم به ما و شما توفیق عطا فرماید.

بنده‌ی نیازمند به خدا

ابوخلیفه علی بن محمد قضیبی

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته و نکوهش نواصب

از جمله دلایلی که اتهام ناصبی‌گری از شیخ الاسلام را رد می‌کند این است که او شدیداً «نواصب» را با تمام گروه‌هایش مورد نکوهش قرار داده‌است و همچنین «خوارج»؛ کسانی که دشمنی با علی رضی الله عنه را دینداری به حساب می‌آوردند و حتی برخی از آنان به خود جرأت تکفیر یا تفسیق و یا سب و دشنام ایشان را، می‌دادند، به شدت مورد ذم و ملامت قرار داده‌اند.

شیخ الاسلام رحمته در کتاب (منهاج السنة) ذم و نکوهش گروه‌های مذکور را بسیار آورده‌اند و اگر او (ناصبی) می‌بود چنانکه دشمنانش می‌پندارند می‌بایست از آنان تمجید و ستایش می‌کرد یا از مواضعشان دفاع می‌کرد و یا حداقل قائل به عذری برای آنان می‌بود و آنان را معذور می‌دانست.

و اما اهل سنت تمام مؤمنان را دوست دارند و از آنان پشتیبانی می‌کنند و از روی علم و انصاف نسبت به آن‌ها سخن می‌گویند ایشان نه از گروه نادانند، و از اهل هوا و هوس و از راه و روش همه‌ی گروه‌های (نواصب) و (روافض) خود را دور می‌کنند و اعلان برائت می‌نمایند و همه‌ی مسلمانان صدر اسلام را دوست می‌دارند و از آنان دفاع می‌کنند و نیز جایگاه و بزرگواری و فضایل اصحاب را به خوبی می‌شناسند و در همان وقت حقوق که خداوند به اهل بیت عطا فرموده‌است را رعایت می‌نمایند.^۱

۱- شیخ الاسلام ابن تیمیه: منهاج السنة، ج ۲ ص ۷۱. به کتاب «شیخ الإسلام لم یکن ناصبياً» تألیف سلیمان خراشی، ص ۶۹ مراجعه نمایید.

سخنان ابن تیمیہ رحمۃ اللہ علیہ در بارہی فضایل علی رضی اللہ عنہ

شیخ الاسلام ابن تیمیہ رحمۃ اللہ علیہ در چندین مورد علی را ستوده و بر او ثنا و ستایش می‌نمایند و در رتبه‌ی چهارم پس از ابوبکر و عمر و عثمان رضی اللہ عنہم او را قرار می‌دهد - همانگونه که منهج اهل سنت و جماعت می‌باشد - این موضعگیری صریح و روشن او است و برای هرکسی که به مطالعه‌ی کتاب‌های شیخ پرداخته باشد نمایان است دیگر من نمی‌دانم چگونه چشمان اهل بدعت و دشمنان او این حقایق را نمی‌بینند؟

اینجانب خواسته است برخی از عبارات شیخ الاسلام را در این مطلب جمع‌آوری نمایم تا هر منصف و طالب حقی از آن گروه‌ها آن‌ها را مطالعه کنند و تا این که چشمان اهل سنت نیز بدان‌ها روشن گردد و در قلب هیچ یکی از ایشان وسوسه‌های اهل بدعت نسبت به شیخ الاسلام هنگامی که از آن اتهامات ناروا اطلاع پیدا می‌کنند، جای نگیرد.

و از کتاب (منہاج السنۃ) بسیار نقل قول نموده‌ام؛ زیرا این کتاب اساس طعنه و تهمت، تهمت‌زنندگان به شیخ می‌باشد گویا عبارات شیخ در این کتاب اشاره به روگرداندن و دوری جستن ابن تیمیہ از علی رضی اللہ عنہ دارد یا گمان می‌رود که شیخ علی را از خلال عبارتهایش کم‌ارزش جلوه داده و تنقیص شأن نموده‌است. و من دوست داشتم برای اینگونه افراد و گروه‌ها بیان نمایم که آنان کسانی هستند که مراد از عبارات شیخ را نفهمیده‌اند چون ایشان با چشم و دید دشمنی و عداوات دینی به او به عبارات او می‌نگرند و معلوم است که اهل چنین دیدگاهی رستگار نخواهند شد.

موارد ستایش ابن تیمیہ از علی رضی اللہ عنہ را به بیان خلاصه‌ی عقیده‌ی او درباره‌ی اصحاب به نقل از کتاب (عقیده‌ی واسطیہ) همان عقیده‌ی معروفی که بدست خود آن را نوشته و در مقابل اهل بدعت در حال حیات خود به دفاع از آن پرداخته است، شروع می‌کنم:

شیخ الاسلام می‌گوید: «و از اصول اهل سنت و جماعت به شمار می‌آید این که دل و زبانشان را از بدگویی و مذمت و کینه نسبت به اصحاب پیامبر پاک می‌کنند و محفوظ می‌دارند چنانچه که خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (حشر: ۱۰)» و (نیز از آن) آیندگان ایشان است که می‌گویند: ای پروردگارانمان! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، بیامرز و در دل‌هایمان هیچ کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده؛ ای پروردگارانمان! بی‌گمان تو، بخشاینده‌ی مهرورزی. و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لا تسبوا أصحابي، فوالذي نفسي بيده لو أن أحدكم أنفق مثل أحد ذهباً ما بلغ مدّ أحدهم ولا نصيفه: اصحاب مرا دشنام ندهید؛ زیرا اگر یکی از شما به اندازه‌ی کوه احد، طلا انفاق کند، با یک یا نصف مدی که اصحاب من انفاق کرده‌اند برابری نمی‌کند.» و اهل سنت آنچه که در قرآن و سنت و اجماع درباره‌ی فضایل و منزلت اصحاب آمده‌است را قبول دارند، و کسانی که از ایشان پیش از فتح مکه انفاق و جنگ کرده - اهل صلح حدیبیه - را بر کسانی که پس از آن انفاق و جنگ کردند، برتری می‌دهند و همچنین مهاجرین (مسلمانان مکه) را بر انصار (مسلمانان مدینه) مقدم می‌شمارند. و اهل سنت بر این باورند که خداوند به اهل بدر (مسلمانان شرکت‌کننده در جنگ بدر) که سیصد و اندی بودند فرموده‌است: آنچه می‌خواهید انجام دهید؛ زیرا شما را بخشیده‌ام. و بر این باورند که کسی که در زیر سایه‌ی آن درخت (شجرة الرضوان) با پیامبر بیعت نموده باشد به دوزخ نمی‌رود چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله به این موضوع خبر داده‌است بلکه خدا از ایشان خشنود و آنان از خدا راضی و تعدادشان هزار و چهارصد (۱۴۰۰) نفر بوده‌است. و کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله به بهشتی بودن او گواهی داده باشد آنان هم به بهشتی بودن او گواهی می‌دهند مانند عشره‌ی مبشره، ثابت بن قیس بن شماس و ...

و اهل سنت به آنچه که به صورت تواتر از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و از غیر او نقل گردیده که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در میان امت بهترین و شایسته‌ترین آن‌ها ابوبکر صدیق سپس عمر و پس از عمر عثمان بن عفان و بعد علی بن ابی طالب بوده‌است، باور دارند چنانچه آثار و روایات بر این دلالت می‌نمایند و نیز بر تقدم عثمان بر علی در بیعت اتفاق نظر دارند و در فضیلت نیز به همان ترتیبی هستند که در خلافتند هرچند برخی از اهل سنت پس از اتفاقشان بر تقدم خلافت و فضیلت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما در مورد فضیلت عثمان و علی با هم اختلاف کرده‌اند که کدام یک افضل و برتر است؟ بعضی عثمان را مقدم می‌دانند و علی را در رتبه‌ی چهارم قرار می‌دهند ولی برخی دیگر درباره‌ی فضیلت آن‌ها سکوت کرده و قومی هم علی را مقدم شمرده اما در مورد بحث برتر توقف نموده‌اند، سرانجام نظریه‌ی اهل سنت بر تقدم عثمان ذی‌النورین بر علی مرتضی استوار شده‌است. و اما باید دانست که قضیه‌ی فضیلت و برتری عثمان و علی از جمله‌ی اصول و مسائلی نیست که مخالف آن نزد جمهور اهل سنت گمراه محسوب گردد ولی مسأله‌ی که مخالف آن گمراه محسوب می‌شود قضیه‌ی خلافت است؛ زیرا اهل سنت بر این باورند که خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ایشان ابوبکر سپس عمر بن خطاب و پس از او عثمان و بعد علی بوده‌است و هر که به خلافت یکی از آنان طعنه زند از خر خود گمراه‌تر است.^۱

و اما مواردی که شیخ الاسلام در آن‌ها فضیلت علی را ذکر کرده و از او دفاع نموده‌اند عبارتند از:

شیخ می‌گوید: «فضیلت و ولایت و بلندی منزلت علی نزد خداوند برای همگان آشکار است و الحمدلله از راه‌های ثابت و به صورت یقین ما به این رسیده‌ایم و بنا به آن‌ها نه نیازی به دروغ هست و نه به چیزهای که صحت آن‌ها مشخص نشده‌است.»^۲

۱- عقیده واسطیه: ابن تیمیه، ص: ۵۰-۵۳. چاپ المکتب الإسلامی، سال ۱۴۰۵هـ

۲- منهاج السنة: ۱۶۵/۸.

باز هم می‌گوید: «اما این که علی و غیر او دوست هر مؤمنی است شکی در آن نیست و این یک صفت ثابت برای علی بوده چه در دوران زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و چه پس از رحلت ایشان و چه بعد از رحلت خود علی، علی علیه السلام امروز هم دوست و سرور هر مؤمنی است در حالی که او اکنون متولی و سرپرست امور مردم نیست و همچنین سایر مؤمنان برخی یاران و دوستان برخی دیگرند چه در دوران زندگی و حیات و چه پس از زندگی»^۱.

ابن تیمیه در جای دیگر می‌گوید: «و اما در علی شکی نیست که از کسانی است که خدا را دوست دارد و خداوند او را دوست می‌دارد»^۲.

از جمله‌ی تمجیدهای شیخ الاسلام از علی این است که می‌فرماید: «بدون تردید دوست داشتن و حبّ علی بر هر مسلمانی واجب است همانگونه که دوست داشتن و حبّ مؤمنان امثال او بر هر مؤمنی واجب است»^۳.

شیخ الاسلام می‌گوید: کتاب‌های تمام گروه‌های اهل سنت مملو از ستایش و ذکر و فضایل علی و ذم و نکوهش کسانی است که به او ستم روا داشته‌اند، اهل سنت به شدت سبّ و توهین به علی را انکار می‌ورزند و شدیداً از این امر ناراحت و ناراضی هستند و آنچه از لعن و سب یکدیگر کردن میان دو سپاه (علی و معاویه) روی داده از جنس و نوع همان قتال و جنگی است که در میان آنها رخ داده‌است و اهل سنت از هرکسی تنفر بیشتر دارند نسبت به کسانی که به علی تعرض و توهین نمایند بلکه همه‌ی ایشان اتفاق نظر دارند بر این که منزلت علی والاتر و او به امامت شایسته‌تر و نزد خدا و رسولش و مؤمنان از معاویه و پدر و برادرش - که از او بهتر بوده - ، بزرگوارتر بوده‌است. علی از کسانی که پس از فتح مکه مسلمان گشته‌اند برتر و بهتر است و در میان ایشان مردمان بسیار هستند که از معاویه رضی الله عنه بهترند و اهل شجرة الرضوان از تمام آنان افضل و برترند و

۱- همان: ۳۲۵/۷.

۲- همان: ۲۱۸/۷.

۳- همان: ۲۷/۷.

علی از بسیاری از کسانی که در زیر آن درخت با پیامبر بیعت نمودند بهتر است، بلکه می توان گفت از تمام آنان بجز سه نفر افضل و برتر است، و در میان اهل سنت کسی را نمی یابید که بجز سه نفر از اصحاب کسی دیگر را بر علی مقدم نماید. اهل سنت از این فراتر رفته و علی را بر جمهور اهل بدر و اهل بیعت رضوان مقدم می دانند و نیز او را بر سابقین مهاجر و انصار مقدم شمرده اند.^۱

و در جای دیگر شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله در حالی که شجاعت علی رضی الله عنه را بیان می نماید، می نویسد: بدون شک علی رضی الله عنه از دلاوران اصحاب بوده و از کسانی است که خداوند اسلام را به وسیله ی جهاد و مبارزه ی او یاری نموده است و از بزرگان صدر می باشد و از جمله ی کسانی است که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده و در راه خدا جهاد نموده و به شمشیر خود شماری از کافران را به هلاکت رسانیده است.^۲

ابن تیمیه باز هم می گوید: گمانی در زهد و بی اعتنایی علی به مال دنیا نیست ولی اختلاف در این است که آیا از ابوبکر و عمر زاهدتر بوده است؟^۳

شیخ الاسلام در جای دیگر می گوید: «ما به طور قطع می دانیم که علی متقی تر از آن بوده است که به عمد دروغ بگوید همچنانکه ابوبکر و عمر و عثمان متقی تر از آن بوده اند که به عمد دروغ بگویند و دچار دروغگویی شوند».^۴

شیخ الاسلام بر این باور بوده که کسانی با علی جنگ نکرده اند نزد اهل سنت محبوبترند از کسانی که با او جنگیده اند و اهل سنت از امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه در برابر اتهامات «نواصب» و «خوارج» با تمام قوت و حجت قاطع دفاع می کنند. شیخ الاسلام ابن تیمیه در این باره می نویسد:

۱- منهاج السنة: ۳۹۶/۴.

۲- منهاج السنة: ۷۶/۸.

۳- همان: ۴۸۹/۷.

۴- منهاج السنة: ۸۸/۷.

و نیز اهل سنت کسانی را که با علی نجنگیدند بیشتر دوست می‌دارند از کسانی که با او به جنگ و مخالفت پرداخته‌اند و آنان را برتر می‌دانند مانند: سعد بن ابی وقاص، اسامه بن زید، محمد بن مسلمه و عبدالله بن عمر رضی الله عنهما این گونه افراد از کسانی که با علی جنگیدند نزد اهل سنت افضل و بهتر و برترند و دوست داشتن و حب علی و ترک قتال و مبارزه با او به اتفاق اهل سنت از دشمنی و مخالفت با وی بسیار بهتر بوده‌است (و اساساً این دو موضع با یکدیگر قابل مقایسه نیستند) و ایشان بر وجوب دوستی و محبت علی اتفاق نظر دارند و از هر کس و هر گروهی از او بیشتر و محکمتر دفاع می‌کنند و اتهامات «خوارج» و «نواصب» را به شدت رد می‌نمایند، ولی هر جایی سخنی دارد.^۱

و از موارد ذکر فضیلت علی علیه السلام محسوب می‌گردد این که ابن تیمیه رحمته الله علیه اصحابی که با علی بوده و در صف او قرار گرفته را از اصحاب که با معاویه بوده‌اند برتر می‌داند. شیخ الاسلام در این مورد می‌گوید:

«مشخص است که کسانی از اصحاب با علی بوده‌اند مانند عمار، سهل بن حنیف و غیر آنها، بهتر و برترند از کسانی که با معاویه بوده‌اند».^۲

این موارد اندکی بود که از شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته الله علیه درباره‌ی فضیلت علی و دفاع قاطع او در برابر دشمنانش و تبرئه نمودن وی از نسبت‌های ناروا که به او نسبت داده شده‌اند، نقل گردیده‌است. آیا پس از همه این‌ها می‌توان گفت: چنانکه اهل بدعت و ستمگران می‌گویند که: ابن تیمیه از علی روگردان بوده‌است؟ یا در کتاب‌های او را تنقیص شأن نموده‌است؟! سبحان الله! این بهتان بزرگی است! ضعیف‌ترین مسلمان چنین چیزی را نمی‌گوید چه رسد به شیخ الإسلام که روزگارش را در تثبیت عقیده‌ی سلف صالح گذراند و در ضمن آن مسایل اعتقادی به بیان تفضیل علی بر بسیاری از اصحاب و قراردادن او به عنوان خلیفه‌ی راشد چهارم پرداخته است و صریحاً در برابر مخالفان و

۱- منهاج السنة: ۳۹۵/۴.

۲- ابن تیمیه: مجموعة الرسائل والمسائل، ص ۶۱.

محاربان‌ش اعلان نموده و اعتقاد بدان هم داشته که علی بر حق بوده است ولی گناه و تاوان ابن تیمیه نزد آنان این است که او در علی غلو و زیاده‌روی نکرده همانگونه که آنان کرده‌اند، و هم‌چنین از منزلت و جایگاهی که خدا برای او قرار داده است تجاوز و غلو ننموده‌اند.^۱

۱- به کتاب «شیخ الاسلام لم یکن ناصبیا» تألیف سلیمان خراشی، ص ۷۴-۸۷ مراجعه نمائید.

گفتار ابن تیمیه رحمته درباره‌ی قاتلین حسین علیه السلام

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: و اما مسأله‌ی جواز دعای خیر برای شخصی و نفرین کردن او بسط و شرح آن را باید در باب جنائز جستجو کرد؛ زیرا مردگان مسلمان چه نیکوکار و چه بدکار بر آن‌ها نماز خوانده می‌شود اگر چه فاجر و بدکار را هم می‌توان به صورت تعیین با عموم لعن کرد ولی بهتر آن است که به صورت عموم لعن شود و من به این صورت به «بولای» فرمانده‌ی مغولی هنگامی که در فتنه‌ی بزرگ وارد دمشق شدند پاسخ داده‌ام و در بین من و او مباحثات و پرسش و پاسخهایی صورت گرفت از جمله سؤالهایی که او از من پرسید این بود که نظر شما در مورد یزید چیست؟ گفتم: به او دشنام نمی‌دهیم و او را دوست هم نداریم؛ زیرا مردی نیکوکار و صالح نبوده تا دوستش داشته باشیم و ما هم به هیچ مسلمان معینی سب و دشنام نمی‌دهیم. گفت: آیا او را لعن نمی‌کنید؟ مگر او مردی ستمگر نبوده؟ مگر او حسین را به قتل نرسانید؟ در پاسخ او گفتم: ما هنگامی که ستمکاران نزدمان یاد می‌شوند مانند حجاج و امثال او چنان می‌گوئیم که خدا در قرآن گفته است: ﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ «هان! نفرین خدا بر ستمگران باد!» (هود: ۱۸) و ما دوست نداریم که هیچ شخص معینی را لعن کنیم اگر چه برخی از علماء لعن را به صورت تعیین کرده‌اند و این مسأله‌ی است که اجتهاد در آن جائز است اما آنچه که گفتیم: نزد ما خوبتر و نیکوتر است.

ولی آن کسی که حسین را کشت یا کمک به کشتن او کرد یا به این کار رضایت داد لعنت خدا و ملائکه و تمام مردمان بر او باد، و خداوند هیچ چیزی را از او نپذیرد. گفت: آیا اهل بیت را دوست دارید؟ گفتم: محبت ایشان نزد ما لازم و واجب است و پاداش هم دارد چون در صحیح مسلم از زید بن ارقم روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله در (غدیر خم) - مکانی است بین مکه و مدینه - برای ما سخنرانی فرمود و گفت: «ای

مردم! من دو چیز گرانبه در میان شما بجا می‌گذارم؛ نخست: کتاب خدا، قرآن را یاد کرد و مرا بر آن تشویق فرمود سپس فرمود عترت و آل بیت و خانواده‌ام. خدا را به نسبت خانواده و آل بیت به شما یادآوری می‌نمایم (و حقوق آنان را ضایع نکنید) دو بار این را تکرار نمود.

من به آن فرماندهی مغولی گفتم: ما در نمازهایمان در هر روز می‌گوئیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». «خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست، چنان‌که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، تو ستایش‌شده و بزرگواری».

مغولی گفت: چه کسی اهل بیت را دوست ندارد و با آنان دشمنی می‌ورزد؟ گفتم: هر که با آنان دشمنی ورزد و آنان را دوست نداشته باشد لعنت خدا و ملائکه و تمام مردمان بر او باد! و خداوند هیچ چیزی را از او نپذیرد. سپس به آن مغولی گفتم: چرا در حالی که خود تاتاری است در مورد یزید از من سؤال نمود؟ گفت: چون به او گفته‌اند: مردم دمشق «نواصب» هستند و با آل بیت دشمنی می‌کنند من هم با صدای بلند گفتم: کسی که این را گفته دروغ می‌گوید و هرکسی که این را به شما گفته است لعنت خدا بر او باد! قسم به خدا در میان مردم دمشق «نواصب» وجود ندارد و من هیچ «ناصبی»^۱ را در بین آنها نمی‌شناسم و اگر کسی علی را مذمت کند و حقش را ضایع نماید مسلمانان علیه او قیام می‌کنند. اما در گذشته هنگامی که بنی امیه فرمانروا بوده‌اند برخی از آنان با علی دشمنی و مخالفت می‌کردند و او را دشنام می‌دادند ولی امروزه هیچ یکی از آنها باقی نمانده‌است.^۲

۱- فرقه‌ای که با امیرالمؤمنین علی و آل بیت دشمنی می‌کردند.

۲- مجموع الفتاوی: ۴/۸۷. نگاه: ابن تیمیه لم یکن ناصبیا، تألیف سلیمان خراشی، ص ۷۲-۷۳.

جایگاه اهل بیت پیامبر ﷺ نزد اهل سنت و جماعت

شیخ الاسلام در کتاب (عقیده واسطیه) می‌گوید: اهل سنت، آل بیت رسول خدا را دوست دارند و محبت ایشان را در قلب جا داده‌اند و به وصیت پیامبر که در مورد آنها آمده‌است عمل می‌نمایند آنجا که در روز (غدیر خم) پیامبر فرموده‌است: خدا را نسبت به اهل بیتم به شما یادآوری می‌کنم و حقوقی که خداوند به آنها برای آل بیتم دستور داده فراموش نکنید.^۱ و باز هم به عموی خود عباس هنگامی که نزد او شکایت آورد که بعضی از قریش نسبت به او بی‌وفایی و جفا می‌نمایند فرمودند: «والذي نفسي بيده لا يؤمنون حتى يحبواكم لله ولقرابتي^۲: سوگند به کسی که جان من در اختیار او است به کمال ایمان نمی‌رسند تا این که شما را به خاطر و خویشاوندی من دوست نداشته باشد».

پیغمبر ﷺ می‌فرماید: «إن الله اصطفى بني إسماعيل واصطفى من بني إسماعيل كنانة واصطفى من كنانة قريش واصطفى من قريش بني هاشم واصطفاني من بني هاشم^۳: همانا خداوند پسران اسماعیل را برگزیده و از پسران اسماعیل کنانه را برگزیده و از کنانه قریش را انتخاب نموده و از قریش پسران هاشم را برگزید و مرا از پسران هاشم برگزیده‌است».

شیخ صالح فوزان توضیحاتی را بر کلام شیخ الاسلام بدین صورت داده‌است:
شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته در اینجا مکان و جایگاه آل بیت را نزد اهل سنت و جماعت تبیین نموده که ایشان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوست دارند. آل بیت عبارتند از خانواده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله آنانی که زکات برایشان حرام گشته که خانواده‌ی علی و خانواده‌ی جعفر و عقیل و عباس و پسران حارث بن عبدالمطلب می‌باشند، و همسران و دختران

۱- به روایت مسلم.

۲- به روایت امام احمد و غیر او.

۳- به روایت امام مسلم و امام احمد.

پیامبران نیز از جمله‌ی اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله به حساب می‌آیند چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ «خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد». (احزاب: ۳۳). اهل سنت به آل بیت احترام می‌گذارند و گرامیشان می‌دارند چون این امر را از احترام و گرامیداشت پیامبر می‌پندارند و چون خدا و رسولش بدان دستور داده‌اند، خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ «و از شما پاداش و مزدی نمی‌خواهم جز عشق و علاقه‌ی نزدیکی (به خدا) را (که سود آن هم عاید خودتان می‌گردد)». (شوری: ۲۳)

و احادیثی هم در این باره آمده‌اند که یکی از آن‌ها آن بود شیخ الاسلام قبلاً بدان اشاره نمود. این احترام و بزرگداشت زمانی است که ایشان پیرو راه و روش پیامبر باشند و بر دین مبین اسلام استقامت نمایند چنانکه گذشتگان آنان چنین بوده‌اند مانند: عباس و پسرانش و علی پسرانش.

اما هرکسی که مخالف سنت و راه و روش پیامبر باشد و بر دین اسلام استقامت نداشته باشد محبت و دوست‌داشتن او درست نیست اگر چه آن کس هم از اهل بیت باشد.

و قول شیخ که گفته است (ویتولونهم) از «ولایه» به - فتح واو - گرفته شده به معنی محبت است و معنی آن: دوستشان دارند، می‌باشد: «وَيَحْفَظُونَ فِيهِمْ وَصِيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»: وصیت رسول خدا را در مورد آن‌ها حفظ می‌نمایند» یعنی: مطابق وصیت پیغمبر با ایشان عمل می‌کنند. (غدیر خم) غدیر که یعنی جای جمع شدن آب باران در بیابان، تالاب. و (خم) برخی گفته‌اند: نام درخت در هم پیچیده‌ی است که در آن محل واقع شده بود و (غدبر) بدان منسوب است.

این تالاب (غدیر خم) در راه مدینه واقع شده و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که از (حجة الوداع) برگشت از کنار او گذشت و در آن محل سخنرانی کرد و از جمله‌ی خطبه‌ی ایشیل آن

بود که شیخ الاسلام آورده است: «أذكركم الله في أهل بيتي» یعنی: حق که خدا برای اهل بیتم بدان دستور داده از قبیل احترام و بزرگداشت و رعایت حقوقشان به شما یادآوری می‌کنم.

و پیامبر ﷺ به عباس رضی الله عنه عموی خود گفت، مراد همان عباس پسر عموی عبدالمطلب پسر هاشم پسر عبد مناف است. (وقد اشتكى إليه) یعنی: آنچه که او را ناراحت کرده بود به پیامبر گزارش کرد. بعضی از قریش با او جفا می‌کردند.

جفا: ترک نیکوکار و احسان درباره‌ی خویشاوندان است. (والذي نفسي بيده) این سوگندی است که از سوی پیامبر واقع شده است. (لا يؤمنون) ایمان ندارند.

یعنی: ایمان کامل و لازم ندارند (حتى يحبوكم الله ولقرايتي) یعنی: تا شما را به خاطر خداوند و خویشاوندی با من دوست نداشته باشند ایمان کامل ندارند. منظور این است که شما را به خاطر دو چیز دوست داشته باشند:

(۱) تقرب جستن و نزدیکی با خدا به وسیله‌ی دوست داشتن شما؛ زیرا شما از دوستان خداوند می‌باشید.

(۲) به خاطر این که ایشان قوم و خویشاوندان پیامبرند و در حقیقت این کار احترام و خشنود کردن پیامبر است.

و پیامبر ﷺ در باره‌ی فضل بنی هاشم که خویشاوندان ایشان می‌باشند می‌گوید: همانا خداوند پسران اسماعیل بن ابراهیم خلیل علیهما السلام را برگزیده و از پسران اسماعیل (کنانه) - نام قبیله‌ی است که پدر آنان کنانه بن خزیمه نام داشته است - را برگزیده و از (کنانه) قریش را - که پسران مضر بن کنانه می‌باشند - برگزیده و از قریش پسران هاشم را - که پسران هاشم بن عبد منافند - انتخاب نموده است و خداوند مرا از میان پسران هاشم برگزید.

نام و نسب پیامبر ﷺ: ایشان محمد بن عبدالله، پسر عبدالمطلب، پسر هاشم، پسر عبد مناف، پسر قصی، سر کلاب، پسر مره، پسر کعب، پسر لؤی، پسر غالب، پسر فهر بن

مالک، پسر نصر بن کنانه، پسر خزیمه، پسر مدرکه، پسر الیاس، پسر مضر، پسر نزار، پسر معد، پسر عدنان، می باشد.

مقصود از روایت و نقل این حدیث این است که این حدیث می تواند دلیلی باشد برای فضیلت و برتری عرب، و قریش برترین عرب می باشد و پسران هاشم از قریش بهترند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بهترین و برترین پسران هاشم بوده است و ایشان بهترین آفریدگان بوده و از لحاظ خانواده از همه برتر است و در این حدیث فضل پسران هاشم که خویشاوندان پیامبر بوده اند نمایان است.^۱

۱- برای توضیح بیشتر به کتاب (عقیده واسطیه) ابن تیمیه با شرح شیخ صالح فوزان، ص ۱۹۵-۱۹۷ مراجعه نمایید.

پایان

پس از این اظهارات و نقل قول‌های اندک از کلام شیخ الاسلام رحمته حقیقت نمایان می‌گردد و آن تهمت و بهتان مردود می‌شود و معلوم می‌گردد که تهمت ناصبی‌گری و دشمنی شیخ با علی علیه السلام و آل بیت دروغ و افترای بیش نبوده‌است و دشمنان شیخ الاسلام خواسته‌اند تشکیک نسبت به علمای امت ایجاد نمایند و در نتیجه اقوال و اجتهاداتشان را ساقط کنند تا بدین وسیله به هدف شوم خود برسند که همان ویران‌ساختن شریعت واضح و تبدیل نمودن آن به تاریکی‌های گفتار اهل بدعت و ضلالت می‌باشد، و هر که بجز این را ادعا نماید دروغ گفته است و مدعی باید برای اثبات مطلب خود دلیل و گواهی ارائه دهد.

گردآورنده نیازمند به خدا:

ابوخلیفه علی بن محمد قضیبی

شیعه سابق